

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ جون ۲۰۱۹

کلمه "اجماع" قربانی جدید سیاست در افغانستان!

یکشنبه- ۲۶ جوزا ۱۳۹۸- کابل: دوام بیش از ۴ دهه جنگ و خونریزی در کشور ما افغانستان، باعث شده تا قربانی های زیادی در تمام عرصه های زندگی اجتماعی انسانها به وجود آید. یکی از جمع قربانی هائی که با تأسف کسی از آن هیچ یاد نمی کند، "مفاهیم" است. مفاهیمی که زمانی انتساب به آن باعث فخر و افتخار مردم بود، چنان در مذب و مسلخ جهالت قرون وسطائی و استعماری سر بریده شده قربانی گردید که اگر گفته شود، امروز به نحوی دشنام تلقی می گردند، بیجای گفته نشده است. مثلاً کلمات: خلق، توده، سوسیالیسم، کمونیسم، کارگر، دموکراسی، جهاد، مجاهد و ده ها و صد ها کلمه دیگری که از معنای اصلی شان تهی گردیده، در ماشین های جنایتبار امپریالیسم و ارتجاع هار مذهبی معنای ضد خود را گرفته اند.

یکی از این کلمات که یادداشت امروز را به خود اختصاص داده است، کلمه "اجماع" می باشد. کلمه ای که در این روز ها در ابعاد مختلف از طرف سیاستمداران و اهل رسانه ها عمدتاً در سه بعد "اجماع داخلی، اجماع منطقه ئی و اجماع جهانی" به بحث گرفته می شود. در یادداشت امروز می کوشم معنای این کلمه را از دید سیاستمداران حاضر در افغانستان و به اصطلاح "نهاد" هائی که در پناه آن سنگر گرفته اند، مختصراً بیان دارم:

۱- اجماع در لغت: اجماع [عربی] ۱- (مصل) - گردآمدن بر، اتفاق کردن برکاری، متفق شدن، همدستان گردیدن. ۲- (مصل م.) جمع کردن. ۳- (۱ مصل) اتفاق عقاید و آرای علما و جز آنان. ۴- (فل.) اراده مؤکد که به دنبال آن حرکت عضلات است. ۵- (شرع) یکی از سه و یا شش اصل فقه و آن عبارتست از اتفاق صحابه از مهاجران و انصار و همچنین علما (نه عامه) در هر عصری بر امری از امور فقهی. ۶- (شرع، اص) اتفاق امت محمد(ص) بر امری از امور دینی- صفحه ۱۵۱ / فرهنگ فارسی/ داکتر محمد معین/ ۶ جلدی/ جلد اول/ چاپ شانزدهم ۱۳۷۹

۲- منظور سیاستمداران و به اصطلاح نهاد های سیاسی افغانستان حین استفاده از کلمه اجماع: الف- مجموع تمامیت خواهان اعم از "غنی احمدزی" و باندش، "گلبدین"، سیاف"، به اصطلاح "حزب افغان ملت"، فاشیست هائی از قماش "یون، احدی، کمال اصولی" و سایرین:

این جمع هر زمانی که دم از اجماع می زنند و از "اجماع ملت" و یا گاهی هم "اجماع مردم" یاد می کنند، منظور شان به رسمیت شناخته شدن رهبری و زعامت خودشان بوده، معتقد اند که می باید تمام نفوس افغانستان یعنی دیروز ۱۸ میلیون بود و امروز بین ۳۰ الی ۳۵ میلیون تخمین زده می شود و فرداو فرداهای دیگری که به ۱۰۰ و ۲۰۰ میلیون

هم برسد، می باید همه تابع و دست نگر و چیزی در حد نوکر آنها باشند. هرگاه چنین باشد و مجموع ملت از این تبارگرایان اطاعت برده وار نماید، آن را اجماع می دانند در غیر آن چیزی به نام اجماع نزدشان وجود ندارد. ب- ناسیونالیست های تنگنظر از قماش پدارم ها، قانونی ها، ربانی ها، مسعود ها، عطاء ها و هم قماشان آنها در به اصطلاح چپ و راست.

برای اینها اجماع زمانی معنا و مفهوم پیدا می نماید که گذشته از تبارشان، شخص خودشان نیز در در غارت خلق سهیم شناخته شود. یعنی هرگاه شخص خودشان به بازی گرفته شود و در دزدی و غارت خلق و کشور شریک دزدان دیگر گردد، در آن صورت اجماع کامل است، در غیر آن شونیزم و تبارگرایی حاکمیت خواهد داشت.

پ- راسیست ها از قماش محقق ها، خلیلی ها، مزاری ها، قانونی ها و دیگران. برای اینها نیز به مانند ناسیونالیست های تنگنظر، شرکت شخص خودشان در حاکمیت مطرح است؛ یعنی هرگاه شخص خودشان در قدرت شرکت داده شود، در آن صورت نه تبارگرایی وجود دارد و نه هم ناسیونالیسم تنگنظرانه از قماش آنچه شورای نظار خواسته و می خواهد، هرگاه شخص خودشان به بازی گرفته نشود علی رغم آن که فردی از تبار خودشان در رأس امور قرار داشته باشد، اجماعی وجود ندارد.

هموطنان گرامی!

با تعریف هائی که از اجماع در لغت و نزد سیاستمداران کشور داده شد، تا جائی که من تجربه نموده ام، اجماع فقهی که تمام امت محمد به امری اتفاق نظر پیدا نمایند، به مراتب آسانتر و ساده تر است، تا اجماع نزد جناح های مختلف حاکمیت در افغانستان. لذا باید به فکر چاره دیگری به غیر از اجماع افتاد، یعنی:

سرکها ما را می طلبد!!